

پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس با هدف احقاق حقوق بشر

چکیده

امروزه آلودگی هوا به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت تبدیل شده است. صنعتی‌شدن و به‌دنبال آن تولید گازهای گل‌خانه‌ای آلودگی هوا را در پی داشته که در این میان دولت‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین کنش‌گر این مخاطره محسوب می‌شوند. این آلودگی به‌نوبه خود باعث بروز زیان به سلامتی اشخاص و محیط‌زیست شده است؛ از این‌رو، تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از آلوده‌سازی هوا در حقوق داخلی و بین‌الملل موضوع حائز اهمیت است. در حقوق ایران قواعد عام حاکم بر مسئولیت مدنی ناظر به اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی است و اصولاً اشخاص حقوقی حقوق عمومی که وظیفه اعمال حاکمیتی دارند از این قواعد خروج حکمی دارند. اما در حقوق انگلیس، دولت در کلیه زیان‌های وارده حتی ناشی از اعمال حاکمیت خود در قبال عموم پاسخگو است؛ این موضوع قبل از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و در قالب قوانین مصوب شورای اروپا در عرصه داخلی ضمانت اجرای فراملی داشت که با خروج این کشور از اتحادیه اروپا صرفاً متکی به قوانین داخلی گردید. مسئله اصلی در این پژوهش بررسی امکان جبران خسارات ناشی از آلوده‌سازی هوا توسط دولت‌ها و مبنای نظری آن به‌واسطه اعمال حاکمیتی آن‌هاست. این موضوع به‌عنوان امری بدیهی در نظام حقوقی انگلیس در مورد اعمال تصدی‌گرایانه و حاکمیتی پذیرفته شده است، اما حقوق ایران میان جبران خسارات ناشی از اعمال تصدی‌گرایانه و حاکمیتی تمایز قائل شده و صرفاً در مورد نخست حکم به جبران مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی پدیده‌های زیست‌محیطی در حقوق ایران و انگلیس و رویکرد حکومت‌ها نسبت به آن.
۲. بررسی پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس.

سؤالات پژوهش:

۱. رویکرد حکومت‌ها نسبت به آن آلودگی هوا در ایران و انگلیس چگونه است؟
۲. پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس چگونه منعکس شده است؟

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، آلوده‌سازی هوا، اعمال تصدی‌گرایانه، پدیده‌های زیست‌محیطی.

مقدمه

یکی از بارزترین وجوه و مصادیق حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست امروزه مسئله حق بر هوای پاک است که در حقوق بین‌الملل مطرح شده و دولت‌ها را بیش از پیش به همکاری‌های بین‌المللی فرا می‌خواند. نخست به این دلیل که پدیده‌های زیست‌محیطی ماهیتی فراملی داشته و اثرات سوء ناشی از فعالیت‌های انسان، تغییراتی را با دامنه و عمق گوناگون در محیط‌زیست پدید می‌آورد؛ دوم آن که گسترش بی‌سابقه تعامل دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر در زمینه‌های گوناگون و فرایند جهانی‌شدن، موجب شده است تا دامنه موضوعات تصمیمات بین‌المللی وارد قلمروی داخلی دولت‌ها شود. هدف و غایت این قواعد، تنظیم مستقیم روابط بین دولت‌ها (تابعان حقوق بین‌الملل) نیست، بلکه هدف، پیوند این تلاش‌ها و ایجاد همکاری میان آن‌ها به منظور بهبود سرنوشت و زندگی بشریت است (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۴۱۴).

نظام حقوقی حاکم بر حفاظت از هوای پاک با استفاده از آموزه‌های حقوق بین‌الملل تحلیل می‌گردد. این حوزه را باید امروزه حقوق بین‌الملل حفاظت از هوا نامید. به باور حقوق‌دانان، این حوزه را در چارچوب قواعد ملی نیز می‌توان تحلیل کرد. توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، دولت‌ها را مکلف به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست به‌ویژه هوای پاک کرده است؛ امری که بسی فراتر از حقوق بین‌المللی سنتی - یعنی تعهد وارد نکردن خسارت به محیط‌زیست دیگر کشورها یا جبران خسارت - است (مشهدی، ۱۳۹۰: ۵۹). در حفاظت برابر آلوده‌سازی هوا آن‌چنان مهم و ضروری است که قالب مسئولیت بین‌المللی سنتی مبتنی بر تقصیر را متزلزل ساخته و مسئولیت مطلق را جایگزین آن در رویه قضائی، داوری بین‌المللی و قوانین داخلی کرده است. در پرتو نظریه مسئولیت عینی یا محض، محاکم قضائی و داوری نیازی به اثبات رکن تقصیر در مسئولیت مدنی ندارند، بلکه صرف احراز رابطه سببیت کافی است و بر این اساس، مسئولیت بین‌المللی را می‌توان در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تکلیفی دانست که به یکی از تابعان آن نظام تحمیل می‌شود تا خسارات وارده به آن را جبران کند. با وجود این، اگرچه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توانسته تحولی اساسی در مبانی مسئولیت بین‌المللی ایجاد کند و جایگاهی ویژه در عرصه رو به رشد مسئولیت مدنی بین‌المللی به خود اختصاص دهد، ولی هنوز از سازوکار اجرایی مؤثری برخوردار نیست. در این خصوص، تلاش‌های زیادی از رهگذر راه‌اندازی صندوق‌های جبران خسارت، تضمین‌ها، بیمه‌های اجباری و تغییر مبنای ایجاد مسئولیت صورت گرفته است (زمانی، ۱۳۸۱: ۵۸-۵۶).

اما در این زمینه، ضمانت اجرای رعایت حق بر هوای پاک و مسئولیت شخصیت‌های حقوقی حقوق عمومی، موضوعی چالش‌برانگیز است. تأثیر این موضوع زیست‌محیطی در قوانین و سیاست‌های کلی کشورهای مختلف جهان مورد لحاظ قرار گرفته است. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲، پروتکل کیوتو ۱۹۹۷، کنوانسیون وین برای محافظت از لایه ازن ۱۹۸۵ و پروتکل مونترال که الحاقی آن در سال ۱۹۸۷ بود و بسیاری از

کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها که دولت‌ها را تکلیف به تدوین و تنظیم قوانین در عرصه داخلی در راستای نظارت و کنترل آلودگی هوا با تصویب قوانین و قرار دادن ضمانت اجرای مدنی نموده است.

در انگلستان قانون هوای پاک در سال ۱۹۶۷ با محوریت کنترل منابع آلوده‌کننده محیط زیست به تصویب رسیده است. در این قانون که چندین مرحله در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۷ و ۱۹۹۰ اصلاح شده، نه تنها دولت در بسیاری از موارد مکلف به مراقبت و حفاظت از محیط زیست با تدوین برنامه بوده، بلکه بار اصلی مسئولیت مدنی را بر دوش این نهاد قرار داده است. قوانین مشابه دیگری نیز در این کشور تصویب شده که از جمله آن‌ها می‌توان به قانون ترافیک جاده‌ای، قانون مدیریت محلی کیفیت هوا اشاره کرد که تخطی از قوانین و نظام‌نامه‌های موجود را مشمول جبران خسارت از سوی ناقضان آن دانسته است.

در ایران نیز در راستای تلاش‌های بین‌المللی در جهت حفاظت از هوای پاک و پیشگیری از آلودگی هوا، قوانین متناسبی تصویب شده است. قانون اساسی ایران به‌عنوان قانون مادر، این موضوع را در اصل پنجاهم به‌صراحت با این بیان مورد حمایت قرار داده است: «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». در این میان قوانین عادی همچون قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست،^۱ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا^۲ ضمن مکلف نمودن کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به رعایت اصول حاکم جهت جلوگیری از آلودگی هوا، مسئولیت مدنی ناشی از عدم رعایت آن را در تبصره ۱ ماده ۲۹ این قانون پیش‌بینی کرده است. هدف اصلی مسئولیت مدنی، احقاق حق و جبران خسارات وارده بر زیان دیده می‌باشد و اهداف دیگر از جمله تنبیه زیان‌زننده یا بازدارندگی دیگران نقش فرعی و تبعی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۹). در این میان، تفاوتی میان مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی و حقوقی نیست؛ سؤالات اصلی پژوهش حاضر این است که آیا اولاً امکان تحقق مسئولیت مدنی برای اعمال زیانبار دولت‌ها -چه در قالب اعمال حاکمیتی و چه تصدی‌گرایانه- وجود دارد یا خیر؟ و ثانیاً به فرض امکان جواز تحقق مسئولیت مدنی در این خصوص، مبنای مسئولیت آن‌ها چیست؟ مضامین زیست‌محیطی چه بازتابی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس داشته است؟

نتیجه‌گیری

ساختار کلی قواعد مسئولیت مدنی ایران و انگلستان در ظاهر تفاوت‌هایی دارند. در حقوق انگلستان، بر خلاف حقوق ایران، عمد و ب احتیاطی دو موجب مستقل برای دعاوی مسئولیت مدنی محسوب می‌شوند. با این وجود، برخی اندیشمندان حقوق غرب نیز این دو مورد (عمد و بی‌احتیاطی) را در نظر گرفته‌اند. در مفهوم «مسئولیت‌های

^۱- مصوب ۱۳۵۳ / ۳ / ۲۸ و اصلاحی ۱۳۷۱ / ۸ / ۲۴

^۲- مصوب ۱۳۷۴

مبتنی بر تقصیر» تحت یک عنوان مسئولیت‌های بدون تقصیر هم تفاوت‌های بارزی بین حقوق ایران و انگلستان وجود نداشته و در هر دو نظام، بنا به مصالح اجتماعی، گاه اشخاص را بدون توجه به اینکه تقصیری مرتکب باشند یا خیر، مسئول خسارات ناشی از اعمالشان می‌شناسند. همین امور بر نزدیکی و شباهت دو نظام حقوقی صحه می‌گذارد و بیان می‌دارد که هرچند حقوق انگلستان نظامی کامن لای می‌شود و حقوق ایران را باید از نظام های سیویل لای دانست، اما مفهوم عدالت و جبران زیان‌های ناروا در تمامی سیستم‌های حقوقی یکی است و تمام نظام‌های موجود برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند، حتی اگر در این طریق شیوه‌های یکسان و مشابهی را در پیش نگرفته باشند.

قانونگذار در مواردی مسئولیت بدون ارتکاب تقصیر را برای دولت پذیرفته است، که از آن جمله می‌توان به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد. برای تحقق مسئولیت مدنی دولت در این بخش اولاً لازم است، بین زیان و امری که سبب وقوع آن شده است رابطه علیت و سببیت وجود داشته باشد. ثانیاً زیان وارده می‌باید اختصاصی (یعنی به شخصی خاص وارد شود و شامل عموم افراد نگردد) و غیرعادی (غیرمعمولی و غیر متعارف) باشد. وجود این دو صفت برای مسئولیت بدون تقصیر سبب می‌شود که افراد نتوانند در مورد اقدامات و عملیاتی که دولت برای تأمین منافع عمومی انجام می‌دهد، مطالبه غرامت کنند و از طرف دیگر حقوق حقه مردم نیز محفوظ و مصون بماند. مؤلفه پسینی این است که زیان وارده باید مستقیم و مسلّم باشد. مسئولیت مدنی دولت به‌طور مطلق نمی‌باشد، بلکه این مسئولیت در مورد خساراتی است که ناشی از اعمال تصدی‌گری دولت است، قانونگذار ما نظریه عدم مسئولیت دولت در اقدامات حاکمیتی را پذیرفته است؛ چراکه در بحث تعارض منافع عمومی با منافع خصوصی افراد، غالباً منافع خصوصی افراد، به علت اهمیت منافع عمومی نادیده گرفته می‌شود.

اسناد چندجانبه است که انواع گوناگون تخریب محیط‌زیست را تخلف شناخته یا دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر عملی برای جلوگیری از آلودگی هوا که قواعد عرفی و معیارهای ناظر بر مسئولیت و غرامت ناشی از تخریب محیط‌زیست را تدوین می‌کنند، ملزم کرده است، بیانگر آن است که وظیفه عدم تخریب محیط‌زیست تا حدی که بر حقوق بین‌المللی بشر نظیر حق حیات، سلامت و امنیت تأثیر می‌گذارد، مورد پذیرش عامه واقع شده است. با این وجود، حقوق بین‌الملل فاقد ابزار کافی برای جبران اعمال زیان‌آور برای محیط‌زیست می‌باشد؛ زیرا نتیجه‌بخش بودن قواعد محیط‌زیست به لحاظ ماهیت جهانی آن‌ها مستلزم همکاری بین‌المللی است.

در صورتی که هیچ‌گونه عمد یا بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات، در بروز خسارات زیست‌محیطی نقش نداشته باشد و وقوع خسارت تنها ناشی از خطای محض باشد؛ در این حالت، بدیهی است که تنها موضوع مسئولیت مدنی کشور متخلف در میان خواهد بود که براساس قواعد عام حاکم بر مسئولیت مسقیم دولت‌ها، زیان

زندنده مسئولیت مدنی در جبران خسارت وارد را خواهد داشت. در جهت تقویت هرچه بیشتر حقوق محیط زیست پیشنهاد می شود مکانیزم های جمعی را در زمینه حفاظت از محیط زیست تهیه و به عنوان نمونه و مدل به کشورهای دیگر ارائه داد. این مکانیزم ها می تواند راجع به عمومات صدور مجوز و پروانه فعالیت، اطلاع رسانی، دستور دادگاه کیفری و حقوقی نسبت به اعاده محیط زیست به وضع سابق و جبران های مدنی با ماهیتی جبرانی مشابه منفعت فوت شده باشد. البته رد پایی از این مکانیزم ها (نظیر اطلاع رسانی) در برخی از اسناد بین المللی یاد شده نیز مشاهده گردیده است که گفته اخیر را تقویت می کند:

پوستره های هنرمندان معاصر در سطح بین المللی به عنوان یکی از سریع ترین عامل ها برای اطلاع رسانی و فرهنگ سازی می تواند مسئله محیط زیست را به خوبی به افراد جامعه معرفی نماید. این مسئله در نوع خود در حفظ چرخه حمایت از حقوق انسانی نیز مؤثر است.

فهرست منابع و مآخذ:

- امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۷۳). «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی». مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۷۴، ۴۱۴
- رامتین، بهنام. (۱۳۸۰). «ضمانت اجراهای حقوق بین المللی در کنوانسیون تجارت گونه های در معرض انقراض گیاهی و جانوری». فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط زیست، شماره ۳۶، صص ۶۵-۶۰.
- زمانی، قاسم. (۱۳۸۱). «توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست». مجله پژوهش های حقوقی (شهر دانش مدیر مسئول دکتر وحید اشتیاق)، ش ۱، ۵۶-۵۸.
- دبیری، مینو. (۱۳۹۲). آلودگی محیط زیست: هوا - آب - خاک - صوت، تهران: نشر اتحاد.
- شوون، پل. (۱۳۶۹). آلودگی هوا. مترجم: کریم کوشا، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۴). جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- غیاث الدین، منصور. (۱۳۷۳). آلودگی هوا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فهیمی، عزیزالله. (۱۳۹۳). اندیشه های حقوق محیط زیست، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا.
- کیمیای نواسطی، پریچهر؛ عابد دوست، حسین. (۱۳۹۷). «تحلیل کارکرد نشانه های تصویری و نوشتاری در پوستره های محیط زیست».
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). الزام های خارج از قرارداد. چاپ هشتم، تهران: سازمان انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مشهدی، علی. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، ش ۲۵، ۵۹.

معنوی‌راد، میترا؛ مددی، شادی. (۱۳۹۸). «رهیافت پوستره‌های ایرانی در حفاظت از محیط‌زیست (با تأکید بر موضوع بازیافت در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ ه.ش». دومین همایش بین‌المللی هنرهای تجسمی و محیط‌زیست با رویکرد هنر».

مهدی، شمس‌الدین. (۱۳۶۹). نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه: مرتضی آیت‌الله‌زاده، تهران: دانشگاه تهران.

هیثم، محمد. (۲۰۰۴). المسئولیه عن تعویض اضرار تلوث البيئه فی القانون، دراسته مقارنه، جامعه العدن، کلیه الحقوق.

Harpwood, V. (۲۰۰۹) Modern Tort Law, Seventh edition, London, Routledge. Covendish. Jane Stapleton, "Duty of Care Factors", py; Graham Stephenson, Sourcebook on Torts; p ۳۹۳.

Schaffer, L., & Wieteki, A. (۲۰۰۹). *McGraw-Hill's Real Estate Law for Paralegals*. McGraw-Hill. p ۷.

Carper, K. L. (Ed.). (۲۰۰۰). *Forensic engineering*. CRC press. p ۱۳۰.

Act Not Prohibited Under International Law available at:
www.foe.uk/campaigns/atmosphere-and-transport/pubs/lagms.htm